



## ناشراندیش‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پانزدهم) جوئی ۲۷ - ۱۳۴۷ - ۱۷ جون ۱۹۶۸

### د رباره انحراف راست و چپ

انحراف و چیدید نظر طلبی (روزی سوئیزیم) در احکام اصول  
جهانی عالم هم از چپ و هم از راست صورت میگیرد. تاریخ پیش  
از ۱۹۴۷، بروز این دو نوع انحراف را از چپ و راست نشان میدهند.  
لذت باید برای منزه و باداکنید اشنیش روش خود و واضح ساختن  
محبوبی دو نوع انحراف راست و چپ کامقمانی پرداخته شود، قریباً باید از  
گردد که ما باید مبنای اصول جهانی عالمی با جن جیز توافق داریم و باید  
چیز توانیم را از تغییرات کنیم. باید مطابق مسند مبنی این اصول و دو اعضا ف  
جب و راست کنیمه شود تا اینرا نصدق رفعه و مطریست کنیم  
ما درستی درک کنید که جن جیز را باید قبول و چیز را باید  
رد نمایند.

چیز اخراجی راست:

تصویر فرمول بندی شد: انحراف راست عبارت است از:

رسن و لغزیدن در جسمت ما فوج  
طبقه حاکمه سینکر و استنمار کر

بورز و ازی و ملاکی بعنی در جسمت

تحکیم راه مایه دادی، در جمهور

صرف نظر کردن که از تغییرات کیمی

در جمیع کوشش و تسلیم در پر ایس

سرخ خود بخودی و ترس از ایضا

امروز بیانی، درست این اوقی

و سازمانی، راست ایضا

گردد: «ماکر استنای، تان خانه

انحراف راست که اتفاق نمود

دوای خواهی دنند کن حسنه

است غصو ما بشکل سو سیا

کارگران ایساواری خانه که کنید

طا هر میگردند و محرفین راست بطر

عموم احکام جهانی عالمی را در

لطفی میدیرند. ولی در مهنت من

ز جمیعتنایان و تسدیل ایسا

پارهای راست ایضا

تجید نظر میباشد.

ملاء مجرمین راست باید نهاد

اعتمادی و رفتن سیو سوسالیست

اصل رفسن و بیرون میسیم را اساس

نطر و غسل خود قرار میدهند

و انسان معلم میباشد و چشم

ادعا میکنند که بدو ن تغیرات سریع

بریز ایضا بسرا خشن طبعت

دوای خواهی دنند کن حسنه

بر دست و طبیعت را به نفس

درس زید سستکی نا بدیز ایسا

دیه همان کارگران استند که

در سرطان ۱۳۷۱ باید نجاشی بار

مطالبات خود را در جمیعت

دوای خواهی دنند کن حسنه

و ایشان بیو ستد و فضیل

ز جمیعتنایان و تسدیل ایسا

پارهای راست ایضا

میتوانند که همه ایسا

برای ایشان توهین کنند

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا

چیزی را که باید بخواهی

و ایشان را ایضا



بر خورد و دستگاه‌های نیلیفانی محافظ  
از جماعی امیری بالبسیتی توجه گردد.  
بخوبی معلوم میکردد که سختگویان  
شان این مرحله تستیت را در میان  
نیمه‌های قوهای از

نیز پهلوی از تجوییح اخوان طلاقی، اعلان میکند ریدر دایجست  
مجله امریکایی) می دوست که: «  
اختلاف بین پیر و های سرمهوه  
فرصت طلاقی پیر بسته عالمت  
امراسته بوجود اورده است.  
درداجست از زبان رجبار نکش  
چینی لذکر رفته است: «کسانیکه  
رطغ شان انتسب که باد فعلا  
عقب نشینی کرد و منظر مو قیمت  
بیشتر شد. وضع غلی راک فرمیت  
طلانی برای استفاده از مو قیمت  
مسانده، یعنی که دارندگان نظر  
نمیگیرند، امروز شمن (مطابق  
پیرو های سرمهوه و پرس برست  
وغیره - نویسنده) ضعیف و مشتت  
است و هیچ مناسب برای حمله نمیست  
آنچه امداد...»

درسته: به سراسریکه واقعیات را  
حریف میگیرد و روشن استواری را علیق  
ترنیز را درباره زیر مطلع نظر قرار  
میگیرد و از طرق بصری صرف رعایت  
میگیرد و میگذرد و میگذرد و میگذرد  
اطلاع، مغازله از این طبق و پوشیدن  
ظرفیات زهر آگین و یک سلسیل داشتم  
انهاد و دروغ باشی ما خیوه اند  
و آن از زیری که این کروه ها غایب هم  
صرف میگیرند، نیستواند حیاطی عینی را  
حریف تایید نمایند از این طبق نیز میگردند  
برو شای صد سی و اصواتی  
مال دنکر ... و صدیق

تمثیلی تجاوز / کنید بالای  
کلمه تمثیل یکدینه می‌شود و از نهادهای  
امیر پسران همینه تجاوز از آنست  
و شیوه ددمنشانه امیر پسریم و از تجاه  
در تکشور عاد کمرشد است آسما افزای  
و افریمکای لاری از تابعیت خود  
تعزیز و پیمانه چونی است که  
بازی و فضولات فحشهایی می‌خواهد  
نمی‌توانستند که نه تاسیسا و دسته از  
رسانی جسمان را در میانه از  
ساخت کویند زیرا چین روش نه نهایا  
خالق جزیاتان ترقیخوار و طبیعت  
سبت، بلکه آن نجاعه که حرف  
تسانیانی، حقوق و منطقه چون ضرره  
نمی‌توانست، نیازی بسیار نداشت  
نمی‌توانست، نیازی بسیار نداشت  
نمی‌توانست، نیازی بسیار نداشت

زکر کی جہان مجنور گردیده است  
ازخواص امیرالیام در هر نقطه  
آن انتزاع سوی این خودادست فرقه  
شنباع و شنستکه در میان بزرگوار  
فیخوار موجود آمده است حداقلتر  
متقاده مینماید. هر کاه بشموه های  
ویه هدف غافل رهبری کند و امن  
امداد و دعوه تلقی کند باشد که

بیور عایق سدیق و مبارز و دلیل  
تقریخوار و طبلر مست بر جم قفر نمونه را  
در جهار چوب اصول علیه اخراجات  
چوب و راست استوار نگاهدارند و از همچیج  
کوشنی برای انجای وحدت اصولی  
بر بیانه جهایی عالم خالق و اسناد  
با مولکین  
که مامضه مون

و مصادر بحث مربوطة دریز این پژوهش با امان شکست  
ناید و اعتماد را نسبت به نیروی حلقها  
در جمیت تغییرات سریع بنیادی و گفایی  
آنچه مانع پیش‌ورود و داشتن این نیروی  
حلقها می‌شود را برای مبارزه آمریز.  
علمی این پژوهش را برای مبارزه آمریز  
نیرو و مشعل خلقت روانی می‌نمایند.  
خلق پایان نمی‌پذیرد و هر کوشه  
یاست میخاییکی ممکنی بدم داد.  
واره نه بالغی رفته باز هم  
نه میتوانست باشد جز همان آش  
خان کاسمه<sup>۱</sup> برای سوینیم بار  
کاپل آدمیم، باز ممکنی، بنا دادند

نه مرجم آمسال هوش بن خمری  
نه تلقافقیم، ولی این باز حواب تازه  
که شنیدن شنکنی (۱) گرفتیم و آن دسته  
شمایا طلواتی و اقلایی هستیمند شنما  
سروری نیست؟

کلدون شما ضفایات کلی، سمهاد  
و بیدن و بینیدن، رونج بردن و امتحان  
را انجام، غلام و سمنگری او روند،  
داد، رونج کردند و پس از این  
بینیدنها روز رو هار مسکور کردند و بخواهی  
شینیدن و بالاخره باز هم بیکارای  
دریدنی

آیا سموسویلت عراقب خط سال  
نامطلوب اینهمه بیزدی و احسانی  
نم مسزو لیت بیگردن کیست؟  
کچاست آن مقامی که داد از حباب  
ملوکوون خود را میگردیده خودسریها  
یک بند و باریسا مرتد ۱۹

اعراف چه و راستی از آن درزیالدان  
تاریخ یعنی فائد، زیرا حقیقت دنگی  
آن را تاییدمیکند، تنبیه اصول جهانی بینی  
علمی خلاص میتواند مسائل انسانی  
بر مروط به ترقی و تکامل جوامع پیشری را  
از روش و صورت پیشایی حل کند  
و پیشتر و از این تجذب حکمال و خشنانه  
ارجاع، غلام و سمنگری و استئانت  
و امیرالایام، ازفر و چهالات و پیماری  
و چهل نجاح دهد و در مبارزة مصلح  
و دمکراسی و دوستی بین ملتها  
و زندگانی تنشسته و سعادتمندانه انسان را  
استقرار بخشد.

ره از در عصر تازیمه نوبن،  
ره مندی واقعی چهار بینی علیم  
و زنگنهان ایست!

درباره اندیح را فرستاد . . . .

رسروت  
سری و عانی با امیر پاییز من چنگ  
طلب درسازش اند بد و ن اینکه در  
مورده آنچه که برای دیگران مو عظمه  
میگردند کام غمی برداشتند، خود مصادق  
این ضرب المثل عجیب میشوند:

**حقیقت اسلام** چنگالی و اعماق  
که شریت را به  
آن علیلی کوه باشد  
تفا شنا کرد... اینا آنی مقصود  
را تواند که تیرپ های ازادی  
و دعوه کراسی و ترقی اجتماعی و جوامع  
نوین پسری و معلمیان انسان سیاره  
اما فرانل افتش حقیقت جنبا کردند  
خواسته از ایمانی کوه، شنا شنا میر که  
امیر بایزیم (بیاج) از احرار  
آن را ندانید و ایمانی کوه، شنا شنا میر که  
امیر بایزیم (بیاج) از احرار

لدا بازهتم پایه  
 بوزروانی و فقنه اکبرانه  
 جدا هنرخواه بود که ز مینه  
 و ما جرا جویانه آنان نبود که در  
 راز برای قربانی درد نال صد ها  
 نبود دلیل اتفاق  
 بیرون دیدنی و  
 هفهزار انسان شریف و مهر قی بدمست  
 ارجمند سیاه در آندو نیز رام میاند  
 علمی « ضمن تقدیم

جذبکی ای امیر بای  
بنظرور دعا از  
دربار نیاز  
تجھیز و مختلطه  
نقالی ملیون ها مردم فدا کار  
رخمنشک رفاه عومن انتقامگیری  
خوبی کردنه و آمده راکه پیغامست  
تجھیز ای ظلم و مشقت بد سنت آمده  
بیرون بسیار نوشتم غم النکر و فوجمعی  
استقلال اسلام

موجاهه ساخته و همچنان بشمود  
نیزهای ارتقایی نیزکری نیزرو های  
آریخواره هند را مواجه بشکست  
خود را بیکم است که  
اعاده نمایند . خ  
حشمتکار گردند تند  
آیا هم اثنوں این کروههای  
میدان اند از قدر  
منما نبند . د

سکفت اتکیر تر  
شدید و عمل آله و سیله ارتیاج  
میگشت از کار گران و محصلان  
ماهی رهائی خش کار گران و محصلان  
چنگ طبلایه .  
و جب تفہین و تفاق در بنی نیرو .  
سازمان میادوسی امریکا در فرنس  
را جو دهد منستی بر میخون

من الملي فزار نکر فنند و نیز ساخت  
اباطر ف اغوار جب وادر تئیجه  
ده نفع ازیجاع نمی کشانید نه  
ده هماشل دیگر ....!  
دیست سر خشمہ عقل و کیاست  
عاقل بسارات میک  
عالیه هم رسمیت  
عالیه کنند و را  
را نفی کنند و را

پیاسی و سیاست دکر کوئی آقایان (۱) ارجاع و شعله اف  
بیره های ترقیخواه و طنزبر سست  
برخ لیکه از تبرد عادله مل  
جعث سنت برای استقرار استقلال  
ازدایی دلیرانه دفعه هی نهانید.  
درازی نظامی اخت  
درازی خاتمه  
درازی خاتمه

فقط امیر ذیاب نوین و هتر قی تو سمعه مبارزه زحمتکشان کشمکش رای سر ما به داری و جنیش های ادبیخشن ذیر بیو امیر بالزم نیز حقیقی میباشد.

این نیوور سیمنیا خود ره بورز و این برای اینکه حتی امکان به اتفاق مات مخف خود صورت حقیقت بد هند، و سل شرسوه سا ده و قده بسی هشتو و بینت تیپ در حالیکه شکافته شده باشد، اینچه احتمالاً ۱۱

لایلیت خود را نهی میکنند.  
لایلیت خود را نهی میکنند.

باصرف خون دل  
کرما و سرمای ط  
کردید . از مشکله  
و مردانه ای پذیری  
بدگاران کردید  
وقایع و بدرگار ح

پایان حاصل نشان ساخت که  
دانش تربیتی از علوم صنایع و سیستم  
ی بررسی اجتماعی آزادی عمل  
و این در پیشست می باشد را در صحنه  
الملحق محدود ساخته است .  
ازین معنی که دیگر امری پایان زیر م در  
پذیرفته و سپاهاروزن  
راخواهی از خود  
در عنوان جهانی از دست داده  
که اکنون ملتها نیز همی دز-

